

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی مدیرمسئول ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورتوتوی آنترویوی کانادا
۰۲ اپریل ۲۰۱۶

من آب جاری عشق جهادم، ترا طوفان دشمن موج من ساخته

۲



کور و طنزمن درحقیقت یک تاریخ است تاج سرصادق ویرخاینین یک سیخ است
من کاری ندارم مؤرخین چه ها می کنند گربه دقت بخوانی جمله هاجهارمیخ است
شاعربی وزن وبی ترازو

به ادامه گذشته:

امروز، تره کی، امین، ببرک، نجیب الله را دست پاک خود ساختید رهبران خود را خاین قلمدادمی کنید و درخصیه جاسوسی یکی از ممالک آنها را می بنید و میگوئید که حزب و اعضای حزب این رهبران کثافت بیکاره وبی تجربه وبی سواد ما با دستور روسها همه را به خاک و خون کشیدند وبا مشاوران و رهبران روس ساغر بلند کردند دختران سازمان جوانان و زنان سازمان زنان را ساقی محفل عیش و نوش خود و بیگانگان ساختند و ثریا بهاء با وجود کثافت وارونه نویسی های خود واقعیت های تلخ حزب دموکراتیک خلق و خصوصاً از خاد و سازمان جوانان و سازمان زنان را درمقابل آیینیه بی غبار قرارداد اعضای حزب که امروز از زندگی تلخ به ستوه آمده اند می گویند ناموس فروشان رهبری حزب دموکراتیک زن خواهر و مادر ما را قدرت مندان حزب به ردالت و بداخلاقی کشانندن هویدا و آشکار هم است که در درون سازمان های شما چه نبود که می گذشت حق دارند که امروز فریاد بکشند و بگویند زمامدارن حزب دموکراتیک

افغانستان می دانستند که در زمان سلطه و حکمرانی شان دست چه جنایت زدند و می زنند. مسؤول جنایت سازمان زنان و سازمان جوانان پنج طفل سفلیس زده و فلج بابک عظیم است او را به جانی کشیده که از پاچه هرانسان شریف در این سایت و در آن سایت در فیس بوک با نام های مستعار می گیرد.

شما حفیظ الله امین را حفیظ الله امریکائی خواندید این که خوش کس بیاید و یا نیاید، می نویسم:

اگر مردی در بین شما بود همان حفیظ الله امین بود در وقتی که روس تصمیم گرفت در رهبری افغانستان تغییر بیاورند و گلیم حفیظ الله امین را به خاطر خودسری و نافرمانی روس جمع کنند چقدر زن و دختر در آن محفل اشتراک کرده بودند مورد تجاوز اعضای پرچم که از ترس حفیظ الله امین مخفی شده بودند در حمله دارالمان علیه حفیظ الله امین به گفته خود شما اعضای پرچم سهم داشتید همه زنان و دختران سازمانی حزب دموکراتیک خلق را مورد تجاوز جنسی به خاطری که خلقی هستند قرار دادید به بهانه که پیرو امین وتره کی بودند باید مورد تجاوز قرار داده شوند و همان کار را هم کردید. طفل سیزده ساله خلقی که مورد تجاوز شما و حشیان وطن فروش مزدور روس که چندین مرتبه به زور روس کودتا کردید و داکتر معالج طفلك در زایشگاه کابل می گفت من صدها زنی که بوتل درون فرج شان توسط اکسا ، کام ، خاد زده شده بود جنایتی که به حق دختر سیزده ساله در قصر دارالامان بعد از خوردن سوب صورت گرفته بود در طول طبابت این نوع جنایت و حشنتاک ندیده بودم و این نوع جنایت ها خلقی ها را عقده مند ساخت و تا آخر خون خلقی ها با پرچمی ها جوش خورد. تا سقوط حکومت نجیب الله در مخالفت بایک دیگر قرار گرفتند در بین چند راست شرف باخته به اساس زبان و قوم و منطقه و نژاد تقسیم شدند تا به کشته شدن داکتر نجیب الله این مرز بندی ها تمام شد.

حالا دارو دستة شورای نظار از بی وجدانی از این طوطنه کاری می گیرند می گویند احمد شاه مسعود که توسط طالبان دست ساخته خودشان و بادرشان ساخته شده بود گلیم این روباه مکار در کابل را جمع کردند احمد شاه مسعود از داکتر نجیب الله خواهش کرد که با ما برو این حرفها به خاطری است که داکتر نجیب الله توسط مرتدین و خاینین حزب دموکراتیک خلق که با احمد شاه مسعود بعد از مجلس بدنام تاریخی جبل السراج یکجا شده بودند از راه فرار در نیم راه میدان هوایی کابل بی رحمانه به زور شکنجه آورده شد و او از ترس به ملل متحد که در حق او خیانت کرده بود مجبوراً پناهنده می شود. حالا می خواهند احمد شاه مسعود را برائت بدهند و تاریخ را وارونه سازند اگر این واقعیتها را که چه جفا در حق نجیب الله بعد از آمدن مجاهدین و طالب رخ داده طرفداران داکتر نجیب الله اگر شرافت دارند اذهان ملیت های افغانستان خصوصاً ذهن نسل امروز و فردا را روشن کنند.

واقعاً رهبران حزب دموکراتیک خلق ، مجاهد و طالب مزدور تاریخ زده هستند در مقام های بزرگ حرفهای اول امروز در حکومت غنی می زنند و امروز برف خود را سربیک دیگری می اندازند کتاب نوشته می کنند گاو را سر گاو میش شهزاده می خوانند.

به نام اکسا، کام، خاد، استخبارت نظامی، خارنوال های نظامی، خارنوال های محکمه انقلابی، محکمه انقلابی اعضای کمیته ولایتی، اعضای کمیته شهر، سازمان های اولیه، هزاران نفر را ترور و سربیه نیست و به نام تصفیه و عملیات های منطقه ئی نیست و نابود کردند مثل عزیز چهارکاری عضو کمیته مرکزی شاروال پروان نقشبند را در پیش چشم تیزبین مردم ترور کرد و در محل ترور توسط مردم دستگیر شد شمایک سال او را به خاطر آرام شدن خانواده نقشبند در زندان انداختید بعد بدون محکمه خارنوالی انقلابی به محکمه انقلابی پیشنهاد کردید و او را از زندان که در زندان هم با ناز و نعمت زندگی می کرد رهاساختید دوباره حاتم بیگ پروان شد و تا آخر مرگش در پروان حرف اول زد. مگر آن وقت خارنوال انقلابی و محکمه انقلابی و شورای انقلابی که اعظم سیستانی و وارونه نویس و وارونه گرتاریخ در آن شورای انقلابی حرف اول با دیگران نمی زد و امروز در چرندیات خود حقایق تاریخی را پنهان می کند و یک حرف از جنایت

حزب دموکراتیک خلق نوشته نمی کند این و چند نویسنده خودفروخته سرحیبب الله کلکانی نوشته می کنند شما در آغاز ۲۰ از یک آدم بیسواد چه معجزه می خواهید. من از آقای سیستانی از جنایات خلق و پرچم ، از داکتر کاظم که با دربار خویشاوندی نزدیگ از زمان سردار هاشم خان تا حکومت داوود این خانواده حرف اول می زدند چرا از جنایت خانواده مزدور و فروخته شده خود دربار حرف نمی زنید و جنایت خانواده خود که رشتیا از هزاران موی جنایت خودیک موی آن را در کتابش افشاء کرده تو چرا واقعیت ها را افشاء نمی کنی تو سید خلیل هاشمیان چرا از سیستانی خواهش کردید که جنایت و جاسوس تاریخی سید محمود کنری جد و پدر هاشمیان وارونه بسازد حتی اسناد تاریخی که در موزیم پشاور از زمان انگلیس ها باقی مانده با هزار شارلتانی قلم اعظم سیستانی کوشش کرد که سید محمود جاسوس برائت بدهد. تو چرا خلیل هاشمیان از شرافت کار نمی گیری از جنایت برادرت در حزب دموکراتیک خلق، از روابط خواهرت با حزب دموکراتیک و از جنایت خواهرزاده پرچمی ات پرده بر نمی داری؟ جوان مردانه اعتراف نمی کنی و ملیت های افغانستان را توسط یک خاین به نام تاریخ نویس عقب نخود سیاه می فرستی و مرا مجبور کردی که به دهن سیستانی زده بگویم:

اگر وجدان نداری، انسان هستی اگر جنایتی که در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق از تو و همزمان توست زده حالا چرا یک جاسوس را برائت تاریخی می دهید در حالی که استاد کاکرد کتاب خود، سند جاسوسی وی را نشر کرده. حالا تو واقعیت هارا کتمان می کنی با این نوع ردالت قلمی که در تاریخ نویسی تو کردی و داری به کدام نوشته تو مردم احترام بگذارد؟ اگر روزی پای حساب و تصفیه کشیده شود تو مگر می توانی خود را به خاطر جنایاتی که در شورای انقلابی تو و همزمان مرتکب شدید خود را برائت بدهید. چرا من حیث یک انسان تو سید عبدالله و هاشمیان از ملیت های افغانستان مانند پنجشیری و کتشمند معذرت نمی خواهید چرا گوشه خانه خود را نمی گیرید؟ از نظر ملیت های افغانستان چرا پنهان نمی شوید و برزخهای ملیت های افغانستان با قلم نمک پاشی می کنید؟ اگر از محاسبه تاریخ و مردم نمی شرمید از خدایترسید. از نظر مردم که شما را به حیث یک خاین می شناسند خود را کناره کنید.

قاتل زنده یاد سیدعظیم گوهری قد پست دست های کوتاه آن و نطق آتشین آن و هاشم پیکار هیچ وقت از نظر گوش من دور نمی مانده از نظر من دور نیست هیچ گاه منشی کیمته ولایتی حزب دموکراتیک خلق بدون دستور بیروی سیاسی کیمته مرکزی و خاد دست به جنایت در ولایات افغانستان نمی زد و جرأت نداشت اگر دست به جنایت می زد این حق جنایت را قدرت مندان حزب دموکراتیک خلق به او می داد و اگر نمی داد منشی کیمته ولایتی کاری نمی کرد.

تنها یک اقدام جزوی در قسمت ترور زنده یاد گوهری بعد از افشاء وی ابروی حزب دموکراتیک خلق که رهبر حزب دموکراتیک خلق به خاطر خاموش شدن همزمان گوهری و خانواده سیدعظیم گوهری یک نفر حزب را قربانی جنایت های خود ساختند وقتی که ترور وی افشاء شد بیروی سیاسی چلو صافش از آب برآمد به خاطر رسوائی خودشان منشی کیمته ولایتی که آله دست شان شده بود به خاطر پنهان ماندن ترور سیدعظیم گوهری اورا مسؤل شناختند و امروز فریاد خانواده منشی کیمته ولایتی از دست رهبران حزب دموکراتیک خلق به آسمانها رسیده تمام شما به شمول همسنگران طاهر بدخشی ، مولانا باعث و حفیظ دره می دانند که این سه نفر به دسیسه بیروی سیاسی و به دسیسه کدام بیروی سیاسی توسط حفیظ الله امین نابود شدند. در یک مجلس یاد بود زنده یاد طاهر بدخشی، ظهور الله ظهوری که زمانی از همسنگران طاهر بدخشی بود بعد خودش و همزمان شان گوسفندان گردن بسته حزب دموکراتیک خلق شدند در آن محفل یاد بود طاهر بدخشی از قاتل اصلی طاهر بدخشی که طاهر بدخشی و شاپور زنده یاد خاد و سازمان اولیه از دفتر وزیران وقت (دستگیر پنجشیری وزیر معارف) بردند و کشتند دهن ظهور الله ظهوری در حالی که کچ می شد گفت یک پیغامی به خاطر یاد بود طاهر بدخشی از طرف دستگیر پنجشیری دوست من هم رسیده ولی از شرم و از ترس پیروان صادق زنده یاد

طاهر بدخشی خوانده نتوانست ولی همین که گفت دوستم دستگیر پنجشیری همه به او لعنت فرستادند. ولی کسی را گفتند در کون تو درخت سبز کرده گفت چه فرق می کند زیر سایه آن درخت می نشینم

شماکسانی که به نام طاهر بدخشی، حفیظ دره و باعث افتخار می کنید نمی دانید که خانواده حفیظ دره توسط هم پیمان حزب دموکراتیک خلق احمدشاه مسعود در چاه آهو زندانی شدند و بعد در سبد ها بسته شدند و از کوه به پائین لول داده شدند فریاد ملاجلیل پدر حفیظ دره و خانواده وی تاهنوز در گوش مردم پنجشیر طنین انداز است.

شما مجاهدین باتبانی دستگاه های جاسوسی دولت حزب دموکراتیک خلق که پروتوکل کردید کسی که از پاکستان و خارج دوباره به وطن برمی گردد ناراضی های شما را زندانی و ترور، حزب دموکراتیک خلق کند و اگر کسی از اعضای حزب دموکراتیک خلق مرتد شد و از افغانستان فرار کرد شما مجاهدین آنها را ترور کنید مثل محمود شامل اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق مدیر فرهنگی وزارت خارجه و استاد تعلیم و تربیه پوهنتون کابل، داماد سعادت خان صافی تگابی رئیس محاکمات وزارت دفاع شاه و داوود در اسلام آباد به همکاری آی اس ای توسط مجاهدین ترور کردید و هم حزب دموکراتیک خلق صداها نفری را که دوباره به وطن برگشته بود حزب دموکراتیک خلق زندانی کردید و ترور نمودید این نوع قرارداد های جناحی بین حزب دموکراتیک خلق، طالب و مجاهد صد ها مرتبه عقد شده و از ملیت های افغانستان قربانی گرفته؛ مگر گلبدالدین با گلاب زوی و تنی و جنرال شور روابط تنگاتنگ نداشتند؟ جنرال حمیدگل می گوید اگر ما قبلاً به اثر خواهش خودتنی و گلبدالدین او را اجازه فرار به پاکستان نمی دادیم گلبدالدین جرأت این را داشت که باشهنواز تنی در تماس باشد و ما بیخبر از این روابط باشیم همه جوانب را ما قبلاً بررسی کرده بودیم هلیکوپتر شهناز تنی بدون هراس به یکی از فرودگاه های پاکستان نشست و جنرال های پاکستانی به استقبال وی رفتند پدر و خانواده احمد شاه مسعود با دیگر قاجقبران سنگ به نام مجاهد تا امروز در پاکستان زندگی می کنند جان آقای کور برادر احمدشاه مسعود مگر جاسوس دوطرفه نبود و در پاکستان با پدر خود زندگی نمی کرد، احمدشاه مسعود با خانواده داکتر نجیب الله، کاپانی، دارو دسته دستگیر پنجشیری، وکیل وزیر خارجه، جنرال دوستم و دیگر جنرال های وطن فروش و حزب فروش شما با گلبدالدین و با احمدشاه مسعود، کتشمند با حزب وحدت رابطه تنگ نداشتند و در جنگ های تنظیمی در کابل با هم دستی جنرال های حزب دموکراتیک خلق شهر کابل را به ویرانی بد تر از زمان چنگیز نکشیدند؟ جنرال بابا جان، جنرال آصف دلاور جنرال عظیمی، جنرال رفیع و دیگر جنرال های وطن فروش با دوستم و مجاهدین به شمول قهرمان جبار مردم کابل را به خاک و خون نکشیدند؟ از مظلومان کابل قربانی نگرفتید، به خاطری اعضای حزب دموکراتیک خلق، اعضای مجاهدین گنده خشک و اعضای طالب مزدور نمی شرمند که وجدان ندارند و هنوز هم به جنایت خود افتخار می کنند

طالب هم که از مجاهد، حزب دموکراتیک خلق به وجود آمده بود مثلی که ریشه های حزب دموکراتیک خلق از روس ریشه گرفته بود مجاهد و طالب از آی اس آی پاکستان، انگلیس، امریکا و همسایه های افغانستان ریشه در آب رذالت رساند عبدالرؤف خان پنجشیری مشهور به خرنوال به دستور احمدشاه مسعود و حزب دموکراتیک خلق، خرنوال انقلابی و محکمه انقلابی اعدام گردید خودش پهلوان ستاره سرخ و قهرمان پهلوانی به موافقه دستگیر پنجشیری، جان محمد خسر ولی مسعود، میرداد پنجشیری، حبیب اصغری و غیره کاسه لیسان جنایتکار که در بین حزب دموکراتیک خلق و مجاهد حرف اول می زدند به موافقه طرفین خانواده زنده یاد پهلوان احمدجان به قتل رسیدند و یک تعداد شان زخمی به کمک مردم پنجشیر به پاکستان رسیدند و طالب برادر پهلوان احمدجان، پهلوان آقشیرین با دادن پول و بدل کردن چهارده طالب به واسطه، خاکسار معاون وزارت داخله طالب به اثر خواهش احمدشاه مسعود ترور کردند مگر رهبری طالب مجاهد و حزب دموکراتیک با پروتوکل های مخفی ملیت های افغانستان ترور، زندانی و بدون محکمه اعدام نگردید؟

انجنیر فاروق امین شوهر خواهر پهلون احمد جان خسریه پهلوان احمد جان و پسر عمه پهلوان احمد جان که از تایلند (بنکاک) به کابل آمد حزب دموکراتیک خلق با یک تبانی با احمد شاه مسعود از میدان هوایی کابل دستگیر و در یکی از خانه های وزیر اکبر خان زندانی وبعد به قتل رسانید و در جای نامعلوم او را دفن کردند و تا امروز کسی نمی داند که قبر غلام فاروق امین در کجا است.

نوشته هائیکه من می کنم ودلایلی که من ارائه می کنم ومسئولیت ثبوت حرفهای خود را در هر جا ودر هر دادگاه حاضر هستم بپذیرم که بادلایل وقراین ثابت کنم و اگر بگویم اسناد در بین است اسناد جنایات خود حزب دموکراتیک خلق ومجاهد وشخص احمد شاه و دارودسته آن از بین برد.

رازق مأمون ژورنالیست ومسؤول یک سایت در پی جست و جوی اسناد تحقیق این وآن شد. او را شمامجبور کردید که وطن را ترک بگوید در حالی که بعد از رهائی از زندان، سرسپرده حزب دموکراتیک خلق شد وبا آنها همکاری قلمی آغاز کرد وپاس جاسوسی زندان او را هم ندانستید ونادیده گرفتید تامجبور شد که به کتاب رها در باد ثریا بهاء آش قلاچی بی مزه ای به نام نقد پخته کند رزاق مأمون که از اعضای حزب اسلامی گلب الدین وعضوی از نویسندگان شما بود هم از دیدن شاه او را مانند هم از گل دروی. حالا در هند سفارت خانه به سفارت خانه می گردد و بعضی وقت سرخصیه شما نا مردان نوشته می کندوبه ثریابهاء احتیاج شده که ماهانه از امریکا به وی پول روان کند و اوباقلم از ثریابهاء شاه دخت سیاست بسازد.

در این جای شک نیست ونبوده زمانی که از زندان برآمد روابط جنسی با این وآن قایم کرد این ردالت را از شما آموخت سرانجام در زمان حکومت کرزی از یک خانواده که قربانی جنسی گرفته بود نتوانست ویا نخواستند که قتل ناموسی رخ بدهد بر روی این شرف باخته تیزاب پاشیدند و او فهمید که دیگر در بین مردم افغانستان جای پای ندارد در هند زندگی می کند ومی خواهد باشهرت کاذب زندگی کند.

چرا امروز در افغانستان اسناد حزبی وجنایی شما و دیگر جنایتکاران مثل جنایت مجاهدین وجود ندارد به خاطری که شما و مجاهدین اسناد جنایی وحزبی خود را قبل از رفتن داکتر نجیب الله در دفتر ملل متحد، در دفتر خود محو کردید غیر شما حزب دموکراتیک خلق ومجاهدین خصوصاً احمد شاه مسعود کی مرتکب این جنایت عظیم ونابخشودنی شده وطالب هم به پیروی شما اسناد جنایت خود را قبل از فرار نابود کرد ومجاهدین هم با حزب وحدت تمام جنایاتی که در کابل و ولایت افغانستان صورت گرفته بود محو کردند که به دست طالب نیفتد شما کم جنایت کردید چرا یک ورق موجود از جنایت شما باقی نمانده؟؟

من بیش از سی و شش سال شده که مانند مرغ گریزی از میدان جهاد وغیر جهاد در خارج فرار کردم ودور از وطن سالهاست زندگی می کنم و بیش از سی و یک سال شده با نام وشهرت مکمله اصلی خود در کانادا وامریکا زندگی کرده ام وهیچ چیز را از دولت میزبان نه در پاکستان نه در هند ونه در کانادا ونه در امریکا پنهان نکرده ام وهر دادگاه ومقام عدلی وغیر عدلی از من سؤالی داشته باشد، با پول شخصی خود در آن مملکت حضور می یابم حتی در افغانستان که دولت کانادا گفته تا آرامش در افغانستان نیامده حق رفتن نداری واگردادگاه های افغانستان مرا کار داشته باشند حاضرم که در جای پرسش وسؤال حضور یابم من از این انکار نمی کنم که از چهارده سالگی از زمان شاه تازمان آمدن حزب دموکراتیک خلق سروکار من با سیاست بوده در زمان شاه، در زمان داوود، در زمان حزب دموکراتیک خلق، در افغانستان ودر مهاجرت به اساس ردالت احمد شاه مسعود و رهبران جهادی در لاهور مرا از شفاخانه بردندوزندانی کردند داستانی است که بار بار نوشته ام.

ادامه دارد

